



مَنوتَبات تطبیقی

بررسی همانندی فنّ تأویل در اسلام و غرب

دیراست و افزونه دوم

نوشته

دکتر قاسم پورین

سرشناسه: پورحسین، قاسم، ۱۳۴۵ -

عنوان و نام پدیدآور: هرمنوتیک تطبیقی: بررسی همانندی فلسفه تأویل در اسلام و غرب/نوشته قاسم پورحسین.

وضعیت ویراست: ویراست ۲

مشخصات نشر: تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۵۰۴ ص.

شابک: 978-600-5101-63-8 شومیز: ۲۰۵۰۰۰ ریال.

وضعیت فهرست نویسی: فیبا.

یادداشت: چاپ قبلی: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴.

عنوان دیگر: بررسی همانندی فلسفه تأویل در اسلام و غرب.

موضوع: هرمنوتیک

موضوع: تأویل.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۲ هـ / ۹۳ پ / ۲۴۱ / BD

رده‌بندی دیویی: ۱۲۱/۶۸

شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۸۱۵۶۹



هرمنوتیک تطبیقی

بررسی همانندی فلسفه تأویل در اسلام و غرب

(ویراست و افزونه دوم)

نوشته: دکتر قاسم پورحسین

چاپ اول پاییز ۱۳۹۲، ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: شومیز ۲۰۵۰۰ تومان

نشانی: تهران، بزرگراه رسالت، روبروی ضلع شمالی مصلای بزرگ تهران،

مجمع امام خمینی (ره)، بنیاد حکمت اسلامی صدرا

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۶۹۱۹، تلفن: ۸۸۱۵۳۲۲۰ و ۸۸۱۵۳۵۹۴، دورنگار: ۸۸۴۹۳۸۰۳

کلیه حقوق، متعلق به بنیاد حکمت اسلامی صدرا است.

ISBN 978-600-5101-63-8

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۰۱-۶۳-۸

فهرست

صفحه	عنوان
۱۱	مقدمه ویرایش دوم
۱۵	دیباچه
۱۹	پیشگفتار
۲۰	روشها و رویکردها
۲۰	روش مقایسه‌یی و «برون - حوزه‌یی»
۲۲	اسباب‌گزینش
مدخل	
۲۵	نخستین کاربرد هرمنوتیک
۲۷	واژه‌شناسی
۳۱	اصطلاح هرمنوتیک
۴۰	هرمنوتیک، تأویل و تفسیر
۴۵	دانش هرمنوتیک
۴۷	هرمنوتیک و کلام مسیحی
۵۹	هرمنوتیک در دوره رمانتیک
۶۴	هرمنوتیک در دوره جدید: دو رهیافت در تأویل
۷۱	اعتبار در تأویل
۷۸	خواندن‌ها و تأویل‌ها

فصل ۱: نظریه‌هایی در باب زبان، متن و معنا

۹۱	مقدمه
۱۰۶	دیالکتیک‌های زبان، گفتار و نوشتار
۱۱۵	نشانه‌شناسی و هرمنوتیک

۱۲۷	نماد و هرمنوتیک
۱۵۱	متن و هرمنوتیک
۱۶۹	باب اول: رهیافت اثباتی این نظریه و نقد بر آن
۱۷۴	باب دوم: قول به صامت بودن و عصری بودن درک و فهم از متن شریعت

فصل دوم: جستاری در فرایند تحول دانش هرمنوتیک

۱۸۵	مقدمه
۱۸۶	مفهوم هرمنوتیک
۱۸۷	نظریه عام درباره معنا
۱۹۱	هرمنوتیک و کلام مسیحی
۱۹۹	آگوستین و علم تأویل
۲۰۳	دوره فترت
۲۰۴	آکوئیناس، تفسیر تشریلی و معنای روحانی
۲۰۵	نظریه فهم همگانی
۲۱۱	رهیافتهای تأویل در تفسیر اسلامی
۲۱۶	هرمنوتیک و حوزه‌های چهارگانه در تمدن اسلامی
۲۱۶	حوزه فلسفه و کلام و تأویل
۲۲۶	عرفان اسلامی و دانش هرمنوتیک
۲۳۶	هرمنوتیک در دوره جدید
۲۳۸	شلایر مایخر، مؤسس هرمنوتیک جدید
۲۴۸	دیلتای و هرمنوتیک عام
۲۵۰	هرمنوتیک و علوم انسانی
۲۵۰	علوم انسانی، فهم و تبیین
۲۵۳	تاریخ‌مندی انسان
۲۵۵	عینیت‌یافتگی
۲۵۶	زمان‌مندی ذاتی تجربه
۲۵۶	علوم انسانی و علوم فیزیکی
۲۵۹	ساختار فهم متن و جریان زندگی
۲۶۲	معنا و پویایی زندگی و کنش هرمنوتیک
۲۶۷	هایدگر و گستره متن
۲۷۰	۱. زبان، هستی و فهم
۲۷۶	۲. تأویل و هرمنوتیک
۲۷۹	مسئله اول: نسبت فهم و تأویل
۲۸۰	مسئله دوم: تأویل و هرمنوتیک
۲۸۱	مسئله سوم: تأویل و معنای پوشیده

فصل سوم: گادامر و هرمنوتیک

۲۹۷	مقدمه
۳۰۵	هرمنوتیک فلسفی
۳۱۱	حقیقت و روش
۳۲۰	منطق مکالمه و امتزاج افقها
۳۳۱	زیان و فهم

۳۳۹	تأویل، نسبت و قطعیت
۳۴۲	نقد نظریه قصدیت
۳۵۰	هرمنوتیک، فهم و کاربرد
۳۵۶	نقدها
۳۵۷	اریک.دی. هیرش
۳۶۵	یورگن هابرماس
۳۶۸	الف) ذهن‌گرایی و عینیت‌انگاری
۳۶۹	ب) سنت و نقد آن
۳۷۲	ج) زبان‌مندی و فهم
۳۷۵	د) نسبت‌انگاری و نقد آن

فصل ۴: پل ریکور و هرمنوتیک

۳۸۳	مقدمه
۳۸۹	زبان، معنا و هرمنوتیک
۳۹۰	مسئله نخست: زبان و ساختارگرایی
۳۹۲	مسئله دوم: چند معنایی
۳۹۷	مسئله سوم: نماد و تأویل
۴۰۱	مسئله چهارم: استعاره و تأییدگی زبان
۴۰۵	مسئله پنجم: اسطوره و تفسیر تمثیلی
۴۱۲	مسئله ششم: هرمنوتیک روایت
۴۱۵	متن، تأویل و تفسیر
۴۱۶	متن چیست؟
۴۲۲	تأویل و صورتهای فهم
۴۲۶	شیوه تأویل
۴۳۰	اختلاف تأویلها
۴۳۴	معنای یگانه و قصد مؤلف
۴۳۷	احیای معنا و پالودن توهم
۴۴۶	هرمنوتیک و سیاست

فصل ۵: حقیقت متن

۴۵۷	مقدمه
۴۶۱	یک معنایی و چندمعنایی (پلورالیسم مؤول)
۴۷۰	تأویل: قطعیت و نسبت
۴۷۷	مسئله اول:
۴۷۸	مسئله دوم:
۴۷۹	مسئله سوم:
۴۹۲	شیوه‌های تأویل، پیشافهم و هرمنوتیک

مقدمه و ویرایش دوم

هرمنوتیک، برخلاف تصور بسیاری از متفکران، در زبان‌شناسی محدود نماند و آنچنان در حوزه فلسفی گسترش یافت که امروزه تبدیل به دانش بنیادین گردیده است. هرمنوتیک فلسفی نه آنچنانکه شاید ماهر بیان داشت صرفاً دانش فهم قواعد زبانی است و نه بگفته دیلتای، احیای علوم معنوی است. به این ترتیب تمامی ساحت‌های علوم در قلمرو هرمنوتیک قرار گرفت. تحولات رخ داده در حوزه هرمنوتیک در ایران در پانزده سال اخیر، چنان نیرومند بود که بدون مطالعه آنها نمیتوان از این دانش سخن گفت. گسترش نظریه‌های مفسر محوری، افق عصری و نقش آن در تفسیر، قول به استقلال متن، چیرگی روش پدیدارشناسانه در تفسیر، بارخوانی متفکران اسلامی از متن قرآنی و وحی، بخشی از تغییرات و تحولات در این زمان اندک محسوب میشوند.

آراء هرمنوتیک واقع‌بودگی هایدگر، هرمنوتیک فلسفی گادامر و هرمنوتیک ساختارگرایانه و سپس پدیدارشناسانه ریکور بشدت مورد توجه محققان در ایران قرار گرفت. در ویرایش و اصلاحات و افزونه جدید ناچار شدم سه رویکرد مزبور را مجدداً بررسی، مطالعه و تبیین نمایم. غفلت از روند مستمر تاریخی هرمنوتیک در غلبه نیز مرا واداشت تا این تداوم تاریخی را از منظر دیگری بررسی کنم. از این حیث، فصل دوم این اثر با اضافات و اصلاحات زیادی توأم شد.

بدون مطالعه هایدگر، نباید از هرمنوتیک گادامر و ریکور سخن گفت. به این ترتیب آراء هایدگر را واخوانی و تجدید کردم و بخش‌های مهمی از هستی و زمان بویژه بندهای ۳۲ و ۳۳ را افزون نمودم. هرمنوتیک فلسفی گادامر نیز بخش مهمی از اثر حاضر را شکل میدهد. بیشترین اصلاحات و افزودن در فصل سوم صورت پذیرفت. ناچار شدم با توجه به عدم ترجمه حقیقت و روش در این پانزده سال و توجه دانشجویان به این کتاب، مروری بر آن داشته و بخش‌های اصلی کتاب را جهت آشنایی

خوانندگان، معرفی کرده و شرح دهم. نگاههای انتقادی گادامر به هرمنوتیک رمانتیک و نابسند بودن طرح دیلتای را بتفصیل تبیین ساختم؛ گرچه بیشتر دیلتای را بیش از دیگران بسبب اهمیت نگاه او در علوم انسانی، بررسی کرده و آراء وی را در بخشهای نخستین کتاب حاضر مورد توجه قرار دادم.

دانشجویانی که با اینجانب درس هرمنوتیک را میگذرانند یا رساله‌هایی را در حوزه هرمنوتیک بانجام رسانده‌اند همواره از فقدان منابع شایسته و کافی درباره هرمنوتیک ریکور گلایه داشتند. زیرا ریکور در ایران بدرستی خوانده نشده و برخلاف گادامر آثار چندانی نیز درباره‌اش نوشته نشده است؛ بطوریکه یکی از دانشجویانم در مقطع دکتری مجبور شد برای مطالعه ریکور به ایرلند برود و نزد یکی از شاگردان ریکور جهت تکمیل پایان‌نامه‌اش، یکسال زمان صرف کند. ریکور بدلائل چندی در هرمنوتیک تطبیقی اهمیت دارد. این اهمیت را ضمن بازکاوی آراء وی در بخش چهارم بدرستی شرح داده‌ام.

یکی از اساتید که کتاب حاضر را جهت بهره‌بردن برای تدوین پایان‌نامه دکتری خود مطالعه نمود، کاستی روشنی را متذکر شد: عدم توجه کافی به تفسیر در حوزه اسلامی بخصوص دوره جدید. این تذکر مشفقانه مرا واداشت تا در بخش اسلامی تجدید نظر اساسی صورت دهم. تفسیر تمثیلی ابن‌سینا، تفسیر باطنی ناصر خسرو و تفسیر عرفانی ابن‌عربی سه بخش خاص و پراهمیتی هستند که در اثر حاضر مورد توجه واقع شدند. این سه نوع تفسیر با توجه به زمان قابل‌توجهی که در اصلاحات و اضافات بدانها اشتغال پیدا کردم و مجبور شدم منابع اساسی را مطالعه نمایم، می‌تواند بخشی از آن کاستی را مرتفع سازد. دوره جدید نیز حائز اهمیت است. آراء ابوزید و سروش را تا حدممکن بازخوانی نمودم و اخیرترین دیدگاههای این دو متفکر را مورد بررسی و نقد قرار دادم.

اثر حاضر تنها مورد بازبینی یا ویرایش قرار نگرفت. چاپ نخست علاوه بر آنکه دارای اغلاط فراوان بود، بلحاظ زمانی - که مطالعات آن را از سال ۱۳۷۵ آغاز کرده بودم - نسبت به تحولات پانزده سال اخیر، فاقد بسیاری از مباحث، دستاوردها و آراء جدید را فاقد بود. این فقدان برای زمان کنونی، قابل چشم‌پوشی نبود، ازاینرو درصدد برآمدم تا اصلاحات اساسی را در این اثر صورت دهم.

حقیقت این است که اصلاحات و اضافات بعدی چشمگیر بود که همچون یک اثر مستقل، زمان و فرصت را بخود اختصاص داد. با توجه به علاقمندی خوانندگان و

دانشجویان به حوزه هرمنوتیک و با توجه به اینکه هرمنوتیک یک واحد درسی در برخی گرایشها و رشته‌ها محسوب میشود، از سختیها و زمان صرف شده برای ویرایش دوم، ناخرسند نیستم. یکی از علل و انگیزه‌های من برای تجدید چاپ با این وسعت از اصلاحات، علاقمندی دانشجویان و اصرار آنها به این امر بود. امید می‌برم افزونهای صورت گرفته، خلأ موجود در حوزه‌های نامبرده را مرتفع سازد.

چاپ مجدد این اثر بدون تذکرات اساتید و محققان و دلسوزیهای دانشجویان صورت نمی‌پذیرفت. بر خود لازم میدانم ابتدا از حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ریاست محترم بنیاد حکمت اسلامی صدرا که حمایت‌های شایسته‌یی صورت دادند قدردانی نمایم. پیگیریهای صادقانه جناب آقای شریعت‌داری کار را تسریع نمود. همکاری صمیمانه خانم فائزه عابدکوهی در بخش مربوط به اسطوره، زبان و نیز آراء لکان شایسته سپاس می‌باشد. درنهایت از تلاش بی‌شائبه و چشمگیر خانم فاطمه محمد جهت ویرایش اثر حاضر و خانمها: فاطمه برقی و معصومه شهرستانی در نمونه‌خوانی و خانمها: مریم صاحبیان، لیلا آقاسی، لیلا دراج، منیژه دراج و الهام قرایی در تایپ و صفحه‌بندی و همچنین از همکاری خانمها: فاطمه صمصامی و ژاله شمس‌الهی (گروه انگلیسی) و آقایان: حسین قدیمی و مرتضی سلماسی در واحد انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا سپاسگزاری مینمایم.

شهریور ۱۳۹۲

قاسم پورحسن

www.ketab.ir

هرمنوتیک یا نظریه فهم متن را میتوان روش منحصر علوم انسانی در مقابل علوم طبیعی تلقی کرد. شناخت و فهم متن بخصوص در زبان نوشتار منظور گوهری دانش هرمنوتیک است. این دانش در پی عمق بخشیدن به فهم و دریافت است که بسوی «علوم هرمنوتیکی» راه میگشاید. به عبارتی، هرمنوتیک تلاشی است برای شناخت واقعیت‌های درونی کنشگران، ساختارهای معنایی پنهان و معانی نهفته در برای پدیدارهای انسانی و اجتماعی.

شلایر ماخر، در تعریفی از آن میگوید: هرمنوتیک عبارت است از ارائه تأویلی استوار به شناخت دقیق، نقادانه و بهرمند از روش درست و استوار به کنش آگاهانه جهت آشکار ساختن معنای متن در تمامی سویه‌هایش با گذار بسوی فراسوی شرایط تاریخی پیدایش متن.

این تعریف، تنها بیانگر دوره اول هرمنوتیک است که بر خوانش و فهم متن استوار بود، اما با ظهور آراء هایدگر و هرمنوتیک واقع بودگی، هم معنای متن تغییر یافت و هم نسبتی پدیدارشناسانه میان انسان و هرمنوتیک شکل گرفت. با سربر آوردن هرمنوتیک فلسفی دیگر نمیتوان از صرف خواندن متن بمثابه اصل محوری هرمنوتیک یاد کرد.

امروزه دانش هرمنوتیک ظریفترین، پیچیده‌ترین و چالش برانگیزترین دانش‌ها در حوزه علوم معنوی بشمار می‌آید. این اوصاف نه بسبب نو بودن، بلکه بدلیل حیثیت موضوعی و گستره این دانش است. هرمنوتیک از هنر و ادبیات تا عرفان و فلسفه و دین را شامل است و هر حوزه‌یی را اندیشمندانی سترگ و نزاعی شدید است.

دانش هرمنوتیک را امروزه به سه دوره تقسیم میکنند: دوره اقدم که از سده ششم قبل از میلاد تا سده اول مسیحیت به درازا کشید. دوره دوم مربوط به دوران مسیحیت، یعنی سده اول میلاد تا سده شانزدهم است که به دوره میانه شهرت یافت. دوره جدید

از سده هفدهم و با تدوین کتاب هرمنوتیک مقدس در ۱۶۵۴م توسط دان هاوسر آغاز و با نشر کتاب درآمدی به تأویل صحیح از سخنها و کتابهای خبرمندان در سال ۱۷۴۲م توسط کلادنیوس که بخش نخست کتابش را عنوان «هرمنوتیک» داد، نضج گرفت. گرچه بسیاری بر این باورند که هرمنوتیک دوره جدید با اندیشه و آثار شلایر مآخر آغاز میشود. این یک تقسیم‌بندی زمانی و عام است. چنانچه بخواهیم گونه‌شناسی صحیحی از هرمنوتیک بدست دهیم باید آنرا به شش گونه دسته‌بندی نماییم: گونه نخست را باید در مکالمات سقراطی و نظریه وجود ارسطو جستجو کرد. میتوان این گونه را پیشاهرمنوتیک نام نهاد. گونه دوم سراسر دوره تفسیر مسیحی و تأویل کتاب مقدس را دربرمیگیرد. این گونه را باید بدرستی هرمنوتیک عهدین یا کتاب مقدس نامید. این دوره از آغاز مسیحیت بویژه با تفسیرهای پولس و فیلون آغاز شده و تا دوره شلایر مآخر را شامل میشود. شلایر مآخر و دیلتای بنیانگذار هرمنوتیک رمانتیک محسوب میشوند. اینگونه از هرمنوتیک بر نظریه نیت‌مندی و قصد مؤلف تأکید دارد، از اینرو به آن هرمنوتیک قصدیت یا مؤلف‌محور نیز نام میدهند. هرمنوتیک فلسفی نوعی گذار و نقد هرمنوتیک قصدیت است. این نوع هرمنوتیک در معنای عام مشتمل بر سه قسم مختلف است: هرمنوتیک واقع‌بودگی هایدگر، هرمنوتیک فلسفی (بمعنی خاص) گادامر، هرمنوتیک ساختگرایانه و پدیدارشناسانه ریکور.

موضوع کتاب بلحاظ زمانی به دوره سوم مرتبط است. لیکن کوشیدیم تا دوره اول و دوم را جهت فهم ریشه‌های کلاسیک فلسفی و یهودی-مسیحی این دانش، در مدخل و بررسی فرایند تاریخی و مراحل تطور آن جستجو نماییم. از این حیث کتاب حاوی جستاری عام در دانش هرمنوتیک در غرب است و این قصد بسبب اهمیت بنیادین ریشه‌های تاریخی آن صورت پذیرفت.

کتاب شامل یک مدخل و پنج فصل است که فصل پنجم تحت عنوان «حقیقت و نقد» بعنوان خاتمه یا نتیجه به نگارش درآمد. مدخل عهده‌دار بررسی ترمینولوژی دانش هرمنوتیک بصورت مقایسه‌بی است. در اینباب، تلاش کردیم علاوه بر غرب، پیشینه‌بی از آن را در حوزه تمدن اسلامی طرح و بررسی نماییم. جستجوی ما در این باب با محوریت تحلیل گفتار و بهره جستن از فرایند تاریخی این دانش شکل گرفت. فصل نخست را عنوان نظریه‌هایی در باب زبان، متن و معنا دادیم. قصد گوهری نگارنده در

این فصل، جستار در بن‌پاره‌های دانش هرمنوتیک است.

آنچه هرمنوتیک را برمی‌سازند زبان، گفتار، متن و فهم است و برخی به «sign» , «interpretation» , «text» , «message» تمایل دارند. حقیقت این است که هرمنوتیک بدون فهم عناصر بازآمده، قابل دریافت نیست. از اینرو، پیش از بررسی آراء هرمنوتیکی فیلسوفان به جستار در بنیاد این دانش همت گماردیم و در چهارباب مسئله زبان، گفتار، نوشتار، نماد، نشانه و متن را واکاوی نمودیم.

در فصل دوم کوشیدیم قبل از بررسی اندیشه‌های گادامر و پل ریکور، تاریخی از این دانش بدست داده و آراء فیلسوفان و اندیشمندان هرمنوتیک در دوره نخست و دوم و نیز بخش رومانتیک دوره جدید را بررسی کنیم. در این بررسی نگاهی اجمالی به حوزه تمدن اسلامی داشتیم که قابل تأمل و مطالعه است. در همین فصل کوشیدیم بیشترین تلاش را در همانندی دانش تأویل مسیحیت و اسلام عرضه کنیم. یکی از مهمترین سببها در انتخاب این موضوع، بررسی ریشه‌های فلسفی - کلامی همانندی اسلام و مسیحیت است. در نگاه بدوی، این فرضیه کمی بیگانه مینماید؛ لیکن مطالعه این فصل میتواند عقلانیت انگیزه و فرضیه را آشکار سازد. علاوه بر وضعیت دانش هرمنوتیک در ایران، هانری کربن در همانندی تفسیر معنوی آیات وحیانی در انجیل و قرآن نقش مؤثری در این رویکرد ایفا کرد. بهر روی، کوشش اساسی در بررسی و اثبات وجوه همانندی را در این فصل بانجام رساندیم؛ از اینرو بناچار مثالها و شواهد بسیاری بر این امر عرضه داشتیم.

فصل سوم را «گادامر و هرمنوتیک» نام گذاشتیم، اما پیش از آن کوشیدیم تا ظهور هرمنوتیک فلسفی و نقش پراهمیت هایدگر را بررسی نماییم. این فصل از یک مقدمه و پنج مسئله برخوردار است: در مقدمه که حدود پنج صفحه است کوشیدیم حیات و آثار و حدود اندیشه‌های گادامر را باجمال بررسی کنیم. مهمترین بابهای این فصل، باب دوم و پنجم است. در باب دوم اندیشه‌های بنیادین گادامر در حوزه هرمنوتیک را بررسی کردیم و در باب پنجم نقدهای وارده بر آراء او را جستجو نمودیم. در فصل چهارم از تأملات هرمنوتیکی ریکور سخن گفتیم. این فصل نیز شامل یک مقدمه در بررسی حیات، آثار و نقش برجسته ریکور در دانش هرمنوتیک است و در چهار باب به بررسی آراء هرمنوتیکی او پرداختیم. باب نخست با عنوان «زبان، معنا و هرمنوتیک» و باب دوم

با عنوان «متن، تأویل و تفسیر» است. این دو باب مهمترین بابهای فصل چهارم بشمار می‌آیند. در باب سوم و چهارم، نگاهی به مسئله پراهمیت هرمنوتیک و سیاست داشتیم که بررسی مستقل آن میتواند مهم و برجسته باشد.

آخرین فصل را که با عنوان حقیقت و نقد به پایان بردیم، در زمره نتیجه نوشته حاضر انگاشتیم. از چهار مسئله مهم و چالش برانگیز هرمنوتیک یعنی (فهم‌شناسی) پلورالیسم مؤثر، قطعیت و نسبیت در تأویل و بالآخره پیشافهم و هرمنوتیک در این بخش سخن گفتیم. در باب دوم و سوم همین فصل، بنحو تفصیل، آثار و تأملات هرمنوتیکی صدرالدین شیرازی را بررسی کرده و ضمن پیوند میان آراء او و حکیمانی همچون آگوستین مقدس و اوریجن، با ذکر استنادات در اثبات فرضیه همانندی جستجو را به پایان رساندیم.

ظریفی گفت دانش هرمنوتیک، دانش مسلط غرب حاضر است، هر پژوهشگری که هرمنوتیک را نشناسد، غرب را نخواهد شناخت. امیدواریم این نوشتار بسترهای فهم درست دانش هرمنوتیک را فراهم کند.

هرمنوتیک چیست؟ پرسش محوری در دانش هرمنوتیک کدام است؟ در دوره جدید چه نیازی به آن داریم؟

امروزه، موضوع محوری و غالب در علوم انسانی و حتی بازخوانی تاریخ و سنت را چستی تأویل و نظریه فهم تشکیل داده و تلاش در دستیابی قواعدی عام جهت شیوه واخوانی، مهمترین کوشش فلسفی است. بهمین سبب است که برخی بر این باور شدند هرمنوتیک، دانش مسلط فلسفی دوره حاضر است. شاید نتوان تعریفی دقیق از هرمنوتیک بدست داد و یا نخستین کاربرد آن را تعیین کرد لیکن میتوان دیرینه طولانی در غرب و حوزه تمدن اسلامی از این دانش بدست داد. مناظرات سقراط، نخستین گفتگوهای هرمنوتیکی است که از آغازگاه دیالوگ دیالکتیک «زبان - گفتار - نوشتار» محسوب میشود.

گرچه تأملات اندیشمندان مسیحی در دوره میانه، سبب تداوم و پیوند هرمنوتیک دوره کهن با دوره جدید گردید، لیکن منحصر در زبان‌شناسی شده و شرایط امکان تأسیس دانش تأویل را فراهم نساخته است. بهمین روی است که بسیاری همچون ریکور و گادامر، معتقدند هرمنوتیک با تأملات شلایر مایر آغاز شد، با ديلتای صورتی دیگر پذیرفت و با هایدگر دگرگون گشت. هرمنوتیک در دوره جدید را میتوان به دانش شیوه خوانش متن بمعنی عام، تعریف کرد. بدین جهت بررسی متن و نوع خواندن آن و شیوه تأویل، پرسشهای مرکزی دانش هرمنوتیک برشمرده میشود.

بررسی و نقد سه دوره هرمنوتیک در غرب میتواند علاوه بر آنکه فرایند تاریخی و مراحل تحول و تطور این دانش را به تبیین رساند، زمینه‌های مناسب برای فهم آراء فیلسوفان متأخر هرمنوتیک همچون مایر، ديلتای، نیچه، هایدگر، گادامر، هیرش، ریکور

و هابرماس را فراهم سازد. بررسی اندیشه‌های این فیلسوفان در واقع واکاوی هرمنوتیک جدید غرب خواهد بود.

هرمنوتیک با پرسشهایی همچون شیوه خواندن متن، چستی متن، پیشافهمهای مفسر و تأویل، متون قدسی و نحوه تحویل دازاین و فهم، پدیدارشناسی، اهمیت امتزاج افقها، آفرینندگی زبانی، متن و مفسر و تأویل، چالشهای بسیاری را در حوزه فلسفه و دین برانگیخت. اختلاف تأویلهای پلورالیسم تأویل، تکرر حقیقتها، عدم قطعیت در تأویل، اهمیت مرکزی تأویل کننده از جمله نتایج دانش هرمنوتیک برشمرده میشود. بررسی واکاوی این چالشها و تأملات میتواند سبب خوانش مطلوب بسیاری از چالشهای رخ داده در حوزه تمدن اسلامی در دوره جدید گردد. این بررسی همچنین میتواند نوع تأثیرپذیری اندیشه‌های جدید در دین و فلسفه جهان اسلام از مغرب زمین را جستجو نموده و رنجوریه‌ها را تبیین سازد.

روشها و رویکردها

هر جستجوی علمی میتواند متأثر از رهیافت از پیش طراحی شده باشد، از اینروست که روشها و کنکاشها گوناگونند. در پژوهشهای کلان شایسته است روش صورتبندی و تبویب گفتارها به تبیین بیاید. انتظار آن است که تحقیق در دانش هرمنوتیک، به دو شیوه صورت پذیرد؛ نوع نخست میتواند تخصصی محض و «درون - حوزه‌یی» باشد. در این روش یک یا چند اندیشه برجسته انتخاب و مورد بررسی قرار میگیرد. محصول مهم این نوع از پژوهش آشنایی ژرف با تأملات فرد یا حوزه‌یی خاص خواهد بود. این روش آسان و در بسیاری از شیوه‌های پژوهش، مرسوم است. شیوه دوم تطبیقی و «برون - حوزه‌یی» است. دشواری این روش زمانی مضاعف خواهد بود که به بررسی مقایسه‌یی با ابزار نقادی دوجانبه و برنمون‌سازی رنجوریه‌های آراء پردازیم. اساس تحقیق و پژوهش در نوشتار حاضر بر شیوه دوم تبیین است.

روش مقایسه‌یی و «برون - حوزه‌یی»

تبیین صحیح شیوه بررسی دانش هرمنوتیک و نشان دادن منحنی تحول آراء فیلسوفان برجسته آن، امر دشواری است. دانش هرمنوتیک برخلاف بسیاری از

موضوعات فلسفی، یک تأویل و گفتار انتزاعی نیست بلکه دانشی است که بسیاری از آموزه‌های فلسفی و کلامی و حتی حوزه دین را به چالش کشانده و شدیدترین منازعات نظری را پی‌افکنده است.

کمترین انتظار از بررسی روشمند در موضوع هرمنوتیک آن است که چه پاسخی میتوان به چالشهای فلسفی در حوزه علوم انسانی و نیز در حوزه دین بویژه خوانش متون وحیانی داد. حجم گفتارهای مطروحه در دوره جدید در ایران و تمدن اسلامی که تحت تأثیر دانش هرمنوتیک صورت پذیرفت، به میزانی است که فکر هر جستجوگری را در فهم مبانی هرمنوتیک و آراء مختلف آن، به خود معطوف میدارد.

این دیدگاه سبب شکل‌گیری دو آموزه «هماندی» و «ناهماندی» هرمنوتیک در حوزه اسلامی و مغرب‌زمین گردید. هر دو نظریه میتواند آغازگاه جستجوهای «برون-حوزه‌یی» در دانش هرمنوتیک شود. بنظر میرسد آموزه همانندی از دلایل و استنادات بیشتری برخوردار بوده و بنحوی مطبوع‌تر میتواند بسترهای عقلانی دیالوگ اسلام و مسیحیت را فراهم سازد.

چنین نگرش و فرضیه‌یی که نخستین بار توسط هانری کربن بصورت یک نظریه ارائه گردید، موجب شد تا پژوهش تاریخی و تحلیل گفتاری از تاریخ هرمنوتیک در غرب و اسلام صورت پذیرد. سه دوره مشخص در غرب و دو دوره در حوزه تمدن اسلامی مورد بررسی مقایسه‌یی قرار گرفت. آراء سقراط، افلاطون و ارسطو در دوره اقدام با آراء کلام زردشتی، تأملات کلام مسیحی و اندیشمندانی چون کلمنت اسکندرانی، اوریجن و اگوستین مقدس در دوره میانه با آراء فلسفی تأویل فیلسوفان مدنی مسلمان، مورد توجه و تأمل قرار گرفت. دوره سوم هرمنوتیک در غرب را که از دوره شلایر ماکر آغاز گردید، بتفصیل جستجو کرده و چالشهای نو در کلام و فلسفه اسلامی را بررسی کردیم.

در پژوهش حاضر چهار رویکرد را تبیین نمودیم: رویکرد قصدیت، رویکرد امتزاج افق، رویکرد آفرینش زبانی و رویکرد تمثیلی - زبانی. همانندی رویکرد قصدیت هیرش، ماکر و دلتای با آراء قصدیت مفسران اسلامی که فقیه نیز بودند، شگرف است. در میان مفسران اسلامی باید فقها و فیلسوفان را متمایز نمود؛ همچنانکه کربن در تاریخ تفسیر معنوی اسلام تأکید دارد. اختلاف خوانشها و رویکرد تمثیلی - زبانی در

بیرون از فقه و در میان فیلسوفانی که مشرب عرفانی داشتند، بوجود آمد. ازاینرو بسیاری از مفسران، به رویکرد قصدیت وفادار ماندند. اما رویکرد تمثیلی حوزه اسلامی که توسط ابن‌سینا و سهروردی شکل گرفت، را با رویکرد تمثیلی متألهان مسیحی دوره میانه مقایسه کردیم و نمونه‌های بسیاری ارائه نمودیم.

چالش‌برانگیزترین بخش مباحث، مطالعه تطبیقی رویکرد امتزاج افق در غرب و اسلام است. در غرب با یک گسست بینشی و گذار از معرفت‌شناسی به هستی‌شناسی، رویکرد امتزاج‌یادیدار گشت، در حالی که در حوزه اسلامی، اندیشمندان دوره جدید با تصلب بر رهیافت شناخت‌شناسیک و بدون گذار، به این رویکرد تمایل نشان داده و آن را یگانه شیوه مطلوب خوانش متون، سنت و موارد برشمردند. دشواری این مطالعه، تفاوت رهیافت فلسفی مغرب‌زمینیان و رهیافت کلامی اندیشمندان اسلامی است؛ لیکن تلاش کردیم تا ضمن تبیین این تفاوت، همانندی و تأثیر و تأثرهای دو عالم در رویکرد امتزاج را نشان دهیم.

موضوع هرمنوتیک و اهمیت بررسی آن در حوزه اسلامی، زمانی جستجویی مطلوب خواهد بود که دو روش بنحو ترکیبی با رویکردی تطبیقی بکار گرفته شود. تبیین فرایند تاریخی این دانش در مرحله نخست یک ضرورت تحقیقی است، از اینرو در این بخش کوشیدیم تا از شیوه پژوهش و تحلیل تاریخی سود جویم. اما از آنرو که آشکار ساختن آموزه‌های دانش هرمنوتیک در دوره جدید غرب و بیان نوع پیوند و همانندی که با دانش تأویل در حوزه تمدن اسلامی و نیز گویا کردن نوع چالشها در حوزه خوانش متن بویژه متون قدسی و وحیانی، نیازمند استفاده از روش مقایسه‌یی و تحلیل گفتمانی و نظریه‌پردازی بود، از اینرو در حد طاقت تلاش کردیم تا با بهره‌جستن از ابزار دوم عمده ابزار نخست، جستجویی دقیق از دانش هرمنوتیک در غرب و اسلام و تطور و تحولات رخ داده در سه مرحله زمانی آن بدست دهیم. بنابراین، مناسبترین شیوه تحقیق در این کتاب را روش ترکیبی تاریخی - نظری قلمداد کردیم.

اسباب گزینش

مهمترین پرسش در انتخاب موضوع، اسباب و انگیزه‌های پژوهشگر است. آشکار ساختن این اسباب و دلایل می‌تواند مؤدی به تبیین اهمیت و شیوه پژوهش در موضوع

گردد. گرچه این انگیزه را نباید بمعنی دخالت دادن پیشافرض و پیشادراک محقق در فرایند پژوهش دانست اما بدون داشتن پیشافهم نمیتوان حرکت پژوهش را آغاز کرد.

سه سبب بنیادی در گزینش موضوع «دانش هرمنوتیک» سهم ایفا نمودند. سبب نخست، جدید بودن این دانش و نقش آن در تحولات علوم انسانی در غرب و تمدن اسلامی است. برای پذیرش هر دانشی باید اسباب ورود عقلانی آن را فراهم کرد. با توجه به تأثیرپذیری بسیاری از اندیشمندان دینی در فهم متون دینی از دانش هرمنوتیک، فراهم ساختن شرایط امکان شناخت ضرورتی انکارناپذیر است. کتاب حاضر با توجه به تخصصی و فنی بودن موضوع، میتواند بهترین افزار در این فراهم سازی باشد. عدم بررسی علمی و پژوهش در دانشهایی همچون هرمنوتیک، موجب بهره برداری غیرمنسجم و غیرنظام مند از این دانش در حوزه تمدن اسلامی در دوره جدید شده است. امید است کتاب حاضر بتواند تاریخ و آموزه های بنیادین دانش هرمنوتیک و نقش اساسی آن در علوم انسانی در دوره جدید را بخوبی تبیین نماید.

بررسی نحوه و میزان تأثیرپذیری متفکران اسلامی و اندیشمندان دینی از هرمنوتیک، دومین انگیزه نگارنده است. از این سبب تحت عنوان «جستجو در نظریه همانندی» سخن گفتیم. از همینرو کوشیدیم در سراسر نوشتار حاضر علاوه بر حفظ و وفادار بودن به روش ترکیبی تاریخی - نظری، پارادایم مقایسه ای را بعنوان رویکرد غالب، مورد استفاده قرار دهیم. این انگیزه موجب گردید تا علاوه بر جستار در سه دوره هرمنوتیک در غرب، شش رویکرد تأویلی در دو مرحله تمدن اسلامی را نیز مورد جستجو قرار دهیم. رویکرد فلسفی و عرفانی، مهمترین این رهیافتها نشان داده شده اند. آثار رمزی بوعلی سینا، سهروردی و آثار تفسیری و فلسفی صدرالدین شیرازی در رویکرد فلسفی و آثار عرفانی ابن عربی همچون ذخائر الاعلاق فی شرح ترجمان الاشواق و فصوص الحکم در رویکرد عرفانی، بتفصیل در مدخل، بخش دوم و بخش پنجم مورد بررسی و تدقیق واقع شدند.

دغدغه شخصی و تحقیقی، آخرین دلیل و سبب انتخاب موضوع هرمنوتیک بود. دانش هرمنوتیک با قلمرو وسیع خود در حوزه غرب، اندیشمندان بسیار برجسته این دانش، تلاش در ایجاد پیوند با حوزه شرق توسط هایدگر و ریکور، مناسبت و همانندی بسیار دانش تأویل در اسلام با هرمنوتیک در غرب، آراء بدیع گادامر و ریکور درباره

شیوه تأویل و گفتگو با موارث و سنت فکری - فرهنگی و متن، همگی توجهات و تمایلات نگارنده را در مطالعه و جستجو در این دانش برانگیخت. تحقیقات اولیه نشان از پیچیدگی موضوع، وسعت حوزه و قلمرو آن و دشواری در فهم فراز و فرود آن برغم تاریخ خطی دارد.

اکنون که پس از پایان یافتن نگارش کتاب، این مقدمه را مینگارم، احساس میکنم جامعه ما برغم تأثیرپذیری غیرمستقیم از دانش هرمنوتیک، هنوز معرفتی روشمند نسبت به این دانش و آموزه‌های مهم آن ندارد. از اینرو کوشیدم بسترهای نخستین این شناخت را فراهم سازم.

www.ketab.ir